

از جایی که هستیم... فلسفه مشاهده

مین کمالی

نشر پایان

چاپ اول: ۱۳۹۸

سرشناسه	:	کمالی، معین، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	از جایی که هستیم... فلسفه مشاهده/معین کمالی.
مشخصات نشر	:	تهران: پایان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۸۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۳۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	شناخت (فلسفه)
موضوع	:	Knowledge, Theory of
موضوع	:	مشاهده (روانشناسی)
موضوع	:	Observation (Psychology)
رده بندی دکر	:	۱۳۹۷ ک/الف ۴ BD/۱۶۱
رده بندی دیسی	:	۱۲۱
شماره ثبت کتابخانه ملی	:	۵۶۱۴۴۱۸

نشر پایان

از جایی که هستیم...

فلسفه مشاهده

معین کمالی

گرافیک جلد: آریابرزن فروزان

ناشر: پایان، تلفن: ۰۹۱۹۴۹۴۷۶۸۸

چاپ اول: ۱۳۹۸

چاپ و صحافی: پردیس دانش، تیراژ: ۶۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۳۸-۱

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیش‌گفتار نویسنده
۹	پیش‌درآمد
	روان‌انسان، کارگاه فیلسوفان!
	ضرورت مفهوم بن‌شناخت:
	۱. ورودی فلسفه [متغیرهای برساخت فلسفه فارغ از ضرورت بن‌شناخت]
۱۵	۱. فلسفه و روابط (قبیله در فلسفه)
۱۶	۲. شکل‌های عمومی
۱۷	۳. بازیگران
۱۸	۴. اصل زمانی و مکانی
۱۹	۵. امکانات مادی
۲۰	۲. جایی که تفاوت آغاز می‌شود ...
۲۲	۱. نشانه‌های سجاوندی
۲۲	۲. تحول مفهوم
۲۳	۳. التقاطی‌گری و تخصص‌انگاری
۳۳	۳. اتیولوژی برای مفهوم بن‌شناخت کافی نیست
۳۵	۴. میناشناسی برای مفهوم بن‌شناخت کافی نیست
۳۷	۵. بن به مثابه مطلق کلمه
۳۹	۶. بن به مثابه وضعیت (stand) نه بیان نومن
۴۱	مشاهده چیست؟
۴۷	۱. سهل‌انگاری کاربرد مشاهده
۴۹	۲. مشاهده عمل دیدن نیست

۳. مشاهده روش (شیوه) نیست ۵۰
۴. چرا مشاهده با بنیان روان شناخته می‌شود ۵۲
۵. هستی‌نگری روان کاوی ۵۶
۶. روان جولانگه مشاهده ۵۹
۷. چرا نمی‌گوییم خواست (اراده) بن ساخت روان است! ۶۲
۸. زمان و مشاهده ۶۴
۹. سه مشاهده‌گر متفاوت ۶۵
- اخلاق و مشاهده
۱. تمایز ساهدات درباره اخلاق ۷۰
۲. اخلاق، می ۷۴
۳. اخلاق، ساهدات ۷۶

پیش‌گفتار نویسنده

تجربۀ آزاد ساختن است، آزادی کلمات از قید سر به جولانگه جاری متن...

رساله! رسالت کسی است که از تداعی‌های غامض افکار چندین ساله و ناگزیر خوش به مسیق و انسجام، متن را آشکار می‌سازد تا جوانه وجدان خویش را ببیند. وجدانی که در فهم هستی‌اش جز آن نفهمیده و بر این محدوده وقف و بخیر گشته است. وجدانی که از تقید و تعهد به خویش فرا می‌رود و آنچه در از هستی‌اش را دریافته می‌گوید. هرگز نمی‌توانم رساله‌هایی را باور کنم که سفارش محتشمی به پیشکاری باهوش و پرکار بوده است؛ رساله‌ای که وجدان خالق‌اش را در متن شتاب ندهد تنها نوعی ژاژخایی و بویایی است، زیرا پایه و اصالت است که ناب مشاهده‌گری را هویدا می‌سازد و باقی رابطه ارباب و رعیتی!...

این رساله همان چیزی است که زندگی مرا سال‌ها به خود مشغول داشته و آن را در طرحی مکرر به نام "هستی‌شناسی به مثابه مشاهده‌گر" دریافته‌ام، چیزی که در این چند سال جز آن درک و درک حاصل نشده...

در مقدمه کتاب *تاملات و ایده موسیقی در متن مشاهده* نوشته بودم من فقط یک مشاهده‌گرم! در این کتاب با خویش سخن گفتم، بر اساس، شاید هر آن‌چه به من شناختی بخشیده است...

برخی ذهن‌های بی‌پرسش از ظاهر این کلمات به مرور کلیشه‌ها و قالب‌های لمیده در عادات خود این جملات را تداعی شخصی من دانستند و در انگاره خویش رغبت متن تعمیمی را معلق نهادند. دوستی در اولین برخورد با پشت جلد کتاب بدون این‌که ورود به فصل‌هایش داشته باشد می‌گفت این‌ها تراوشات ذهنی شخصی خود تو است زیرا که گفته‌ای من فقط یک مشاهده‌گرم!

بدون این‌که اهمیت مفهوم مشاهده را حتی در نام کتاب بیابد! به هر حال رساله از جایی شروع می‌شود که من نامش را سهل‌انگاری در بُن شناخت مشاهده می‌نامم. در این رساله بر خلاف نشر کتاب *تاملات* که موضوعات مختلفی را در متن مشاهده تحریر کرده بودم، نشان متمرکزی از این "بُن شناخت" ارائه می‌دهم و مشاهده‌گر را در راس تمام انگاره‌های فلسفی تلقی می‌کنم. می‌خواهم جنبه‌های تاریک و ناشناخته غفلت از این اصل را موید سازم. این سهل‌انگاری آن‌قدر وسیع، تاریخی و گسترده است و بلوای آن در پیرهای ابهام چنان فروخته، که نگرشی سخت و جدی به این اصل ضروری می‌پندارم... این رساله تنها بیان موضوع مشاهده‌گر است و اگر از تاریخ یا مفاهیم کلان و گسترده‌ای مانند اسطوره، تاریخ، زمان و... مطلبی مکتوب شده کوتاه و گذرا است زیرا که هدف پرداختن به محتوای وسیع و عمیق آن‌ها نبوده بلکه صرفاً بررسی زوایای مشاهداتی آنان بوده است...